

نگرشی آماری بر جمعیت روستایی کشور

دکتر سیدرضا معینی

زمینه مطالعات نقاط روستایی در روند تکاملی پژوهشها و تحقیقات موضوع جدیدی به شمار نمی‌رود. نوشته‌هایی که حتی مربوط به قرن‌ها پیش است به گونه‌ای به اوضاع اجتماعی - اقتصادی روستاها اشاره دارد. در سالهای اخیر نیز بویژه در کشورهای در حال رشد بررسی جمعیت روستانشین به دلایل بسیار اهمیت یافته است. سازمانهای تحقیقی جمعیتی بین‌المللی، جمعیت روستانشین کشورهای در حال رشد را به عنوان بهترین هدف برای تحقق برنامه‌های بهداشت خانواده و کمک به محدود کردن تعداد فرزندان انتخاب کرده‌اند. در معیار درون کشوری بالا بردن سطح زندگی روستانشینان و بهبود شرایط زیست آنان از مهمترین برنامه‌های دولتی است. این ارتقا در عین حال مورد توجه سازمانهای بین‌المللی نیز هست.

جمعیت روستانشین از قرن‌ها قبل رسالت فراهم آوردن غذای همگان را به عهده داشته و در زمان حاضر (حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی که سهم بسیار اندکی از جمعیت در فعالیتهای مربوط به کشاورزی اشتغال دارند) این وظیفه سنگین عمدتاً بر دوش جمعیت روستانشین است. اهمیت مطالعات جمعیت روستانشین تنها به موارد فوق خلاصه نمی‌شود، بلکه گسترش هر چه بیشتر این مطالعات از جنبه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی فرهنگی چه به صورت مطالعه موردی و ژرفانگریک یا چند روستا و

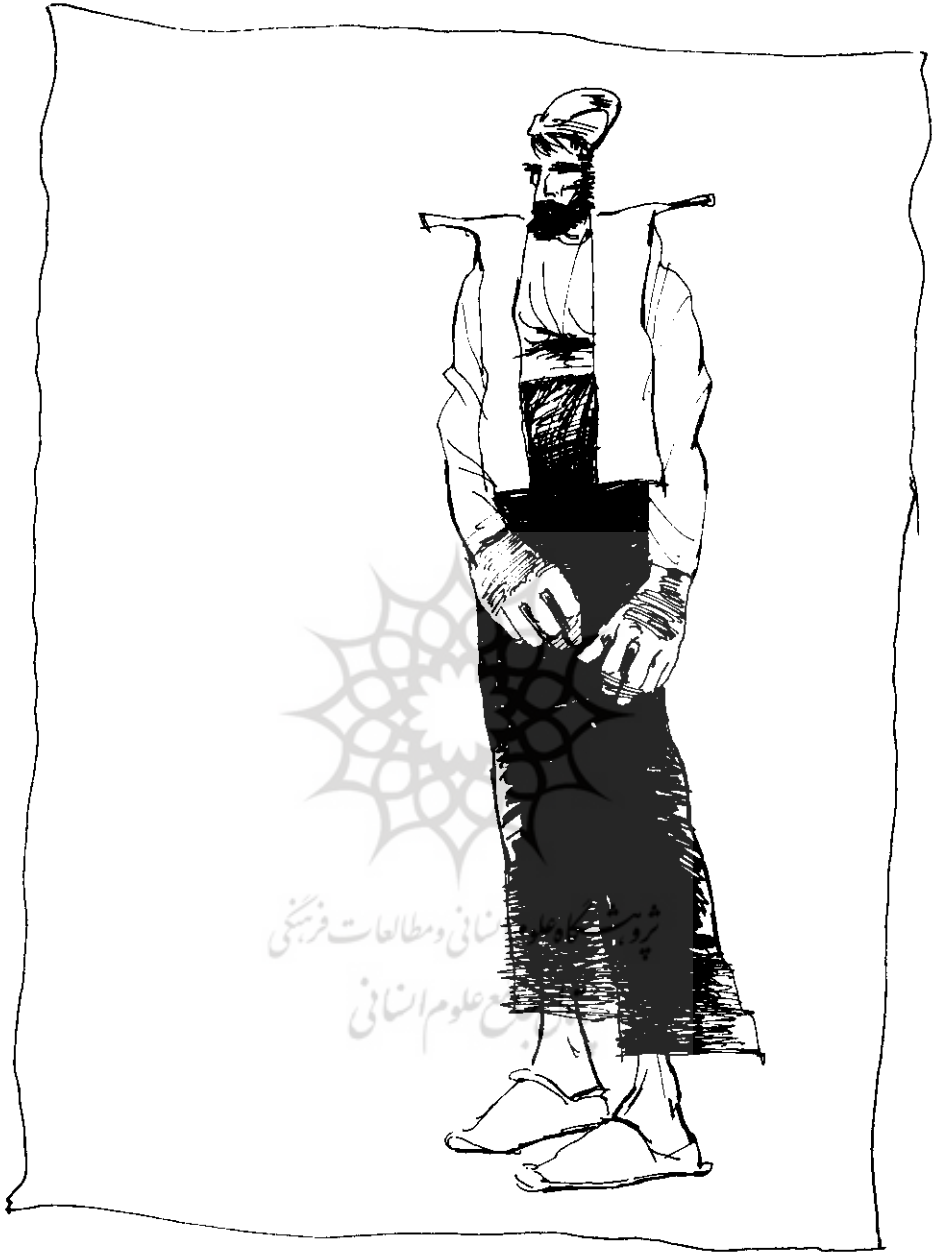
چه به صورت مطالعات پهنانگر اهمیت و ضرورت دارد. در این بررسی کوتاه مقطع زمانی مورد نظر دهه‌های اخیر است. ژرفای زمانی و گذشته نگری از سال ۱۳۳۵ تجاوز نمی‌کند و تازگی مطالعه به سال ۱۳۷۰ ختم می‌شود. بدون شك هر چه دامنه زمان مورد بررسی از این مقطع کوتاه تجاوز کند ارزش آن بیشتر خواهد بود. علی‌رغم آنکه تا سال ۱۳۳۵ سرشماری عمومی جمعیت با به کارگیری روشهای آماری نوین وجود نداشته است اما برای اطلاع از اوضاع اجتماعی - اقتصادی روستاهای کشور آمار و ارقامی به صورت نامنظم و با پوشش کمتر از تمام شماری وجود دارد که هر کدام ارزش و اعتبار ویژه خود را دارد. از سال ۱۳۳۵ و پس از آن که به فاصله هر ده سال يك سرشماری عمومی جمعیت در کشور به اجرا در آمده داده‌های ارزشمندی برای مطالعات مختلف از جمله مطالعات روستایی در دست است. در حقیقت از سال ۱۳۳۵ به بعد امکان مطالعه علمی آماری جمعیت روستایی از دیدگاههای مختلف و به صورت پهنانگر فراهم آمده است. سرشماریهای جمعیت در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و تمام شماری توام با نمونه‌گیری سال ۱۳۷۰ نکات ریزی را برای این نوع بررسیها روشن می‌سازد.

تعاریف معیاری برای تمیز

برای تشخیص و تفکیک جمعیت روستانشین ابتدا باید به بررسی تعاریف در این مورد پرداخت. در تعاریف، ابتدا روستا یا آبادی تعریف می‌شود، سپس افراد ساکن در آن نقطه را جمعیت روستانشین می‌خوانند. ساده‌ترین تعریف در این مورد آن است که جمعیت روستانشین شامل آن دسته از جمعیت است که ساکن در روستاها یا آبادیها باشد. در تعریف آبادی گفته شده است که «آبادی مجموعه يك یا چند مکان و اراضی به هم پیوسته آبی - اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی است که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتی یا عرفی مستقل باشد.»

از دیدگاه جمعیت‌شناسی در تعریف روستا و شهر تعداد جمعیت و نوع شغل ساکنان دخالت می‌یابد. براین اساس نقطه‌ای روستا نامیده می‌شود که تعداد جمعیت ساکن در آن از حدی که در هر کشور متغیر است کمتر بوده و شغل اکثریت آنان کشاورزی باشد. تجاوز از این حد جمعیتی موجب شناخت آن نقطه به عنوان شهر است.

در ایران تعیین تعاریف حوزه‌های جغرافیایی و نقاط مختلف به عهده وزارت کشور است. این تعاریف در طول زمان یکسان نبوده و تغییراتی در آن پیش آمده است.



تغییر در تعاریف نیز در خط مرزهای بین شهرستانی و بین استانی و ایجاد شهرستانها و استانهای جدید، بررسیها و تحلیلهای آماری را دشوار می‌سازد.

تعریف شهر و تغییر آن نمونه‌ای از این نوع تغییرها است. آخرین تعریف برای شهر شامل نقاطی است که دارای شهرداری باشند. این تعریف از سرشماری جمعیت در سال ۱۳۶۵ مورد استفاده قرار گرفته است اما قبل از سرشماری مزبور وجود ۵۰۰۰ نفر جمعیت برای تشخیص شهر به عنوان معیار قلمداد می‌شد. مراکز شهرستان حتی اگر کمتر از این تعداد جمعیت هم داشتند شهر شناخته می‌شدند.

در معیار بین‌المللی نیز تعریفی استاندارد و واحد از سوی کشورهای مختلف برای تشخیص شهر و روستا مورد استناد نیست و تنوع تعریف بسیار است. به عنوان مثال در جدول ۱ به چند معیار برای تشخیص مراکز جمعیت غیرشهری مربوط به چند کشور اشاره شده است.

براین اساس در کشورهای مختلف طیف وسیعی از تعاریف گوناگون برای روستا و جمعیت روستانشین به کار می‌رود. اما به هر حال تعریف روستا یا جمعیت روستانشین هر چه باشد دو دستگی کشورها از نظر الگوی رفاهی جمعیت روستانشین کاملاً آشکار است.

در کشورهای پیشرفته فقط این تعاریف است که روستانشینان را از شهرنشینان جدا می‌سازد و روستانشین کشور صنعتی پیشرفته معمولاً تمام امکانات رفاهی شهرنشینان را در اختیار دارد. در این دسته از کشورها همه فعالیت‌های کشاورزی توسط ماشین انجام می‌شود. علاوه بر این راحتی فردی که با ماشین کار می‌کند از هر نظر فراهم شده است. اما در کشورهای عقب‌نگهداشته شده جمعیت روستانشین از بسیاری از امکانات شهرنشینان محروم است. علی‌رغم این دو الگوی متفاوت در روند تحولی کشور، در سالهای اخیر کوشش بر آن بوده است که جمعیت روستانشین به بسیاری از امتیازات شهرنشینان دست یابند و آمارهای موجود این امر را در مواردی تایید می‌کنند.

جمعیت روستایی کشور و رشد سالانه آن

جمعیت روستایی کشور در فاصله ۲۵ ساله یعنی بین سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۷۰ به طور متوسط ۱/۷ درصد در سال رشد داشته است. این میزان رشد برای دو برابر شدن جمعیت در ۲۵ سال مورد نظر کافی نیست بلکه دو برابر شدن جمعیت روستایی کشور با این میزان رشد حداقل نیاز به زمان ۳۹/۵ ساله را دارد. میزان رشد جمعیت روستایی کشور در مقاطع بین سرشماریها کمتر از میزان رشد جمعیت کل کشور بوده است. تفاوت این امر در اثر افزایش سریع میزان رشد جمعیت شهرنشین است.

با آنکه تعداد جمعیت روستانشین در مقاطع زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ در حال افزایش بوده و از حدود ۱۳ میلیون نفر به ۲۴ میلیون نفر رسیده است. مع‌هذا درصد جمعیت روستانشین در مقابل درصد

جمعیت شهرنشین مرتباً در حال کاهش بوده است (جدول شماره ۲). رشد کمتر جمعیت روستانشین در مقایسه با جمعیت کل کشور و نیز کاهش میزان روستانشینی در مقابل رشد شهرنشینی ممکن است این تصور را در پندار جمعیت شناس نا آشنا به مسائل جمعیتی ایران پدید آورد که از نقطه نظر فیزیولوژیک باروری در روستاهای ایران کمتر از نقاط شهری است و یامرگ و میر در حد بسیار بالایی است. در حالی که هیچ کدام از این دو گمان صحت ندارد. در واقع میزان باروری در جمعیت زنان روستایی کشور بالاتر از جمعیت شهری است. ساختار سنی فوق العاده جوان جمعیت روستایی که بعداً به آن اشاره خواهد شد دلیلی واضح بر این امر است و بررسیهایی که وجوه افتراق شاخصهای باروری را در شهر و روستا مشخص می کند نیز تایید دیگری است.

جمعیت کشور صرف نظر از اینکه در تعاریف محدوده های شهری و آبادی چه تغییری ایجاد شود با روند خاصی به رشد خود ادامه می دهد. اما علت کمتر بودن میزان رشد جمعیت روستانشین و نیز کاهش درصد روستانشینی بستگی به عوامل مختلف و عمدتاً مسائل مربوط به تعاریف دارد.

اثر تعاریف و مفاهیم بر رشد جمعیت

چنانچه اشاره شد قبل از سال ۱۳۶۵ نقاطی که دارای کمتر از ۵ هزار جمعیت بود (به جز مراکز شهرستان) روستا به حساب می آمد. با این تعریف روستاهایی که جمعیت آنها از ۵ هزار نفر تجاوز می کرد به عنوان شهر شناخته می شدند. به دنبال شهر شناخته شدن هر روستا تغییرات لازم در آمارها نیز باید انجام شود. این تغییر آمار باید به این ترتیب باشد که از یک طرف تعداد جمعیت نقطه مزبور را از شمار جمعیت روستایی کشور کم کرده و از سوی دیگر این تعداد را به جمعیت شهری اضافه کند. به عبارت دیگر روستاهایی که شهر شناخته می شوند نه تنها جمعیت آنها دیگر جزو جمعیت روستایی منظور نمی شود بلکه به جمعیت شهر نیز اضافه می شود، حالت معکوس هیچگاه وجود نداشته است یعنی جمعیت شهری اگر هم بر اثر علل غیرمترقبه به کمتر از ۵ هزار نفر نزول کرده باشد، آن شهر روستا شناخته نشده است. در تعریفی که از سال ۱۳۶۵ برای شهر وجود دارد یعنی نقاطی که دارای شهرداری باشند، هرگاه در روستایی با توجه به نیازهای مختلف اقدام به تاسیس شهرداری شود آن نقطه شهر شناخته می شود. در این حالت نیز جمعیت این نقطه از جمعیت روستایی کشور کاسته شده و به جمعیت نقاط شهری کشور اضافه می شود. این تغییرات که ناشی از تعریف است به نوبه خود از شدت رشد جمعیت روستانشین می کاهد و در واقع به افزایش جمعیت شهرنشین شتاب داده و در متوسط رشد جمعیت کشور اثر می گذارد.

جدول شماره ۱:

معیارهای تشخیص جمعیت غیر شهری و درصد روستانشینی در کشورهای منتخب

نام کشور	سال سرشماری	تعریف نقاط دارای سکنه غیر شهری	درصد روستانشینی
سوریه	۱۹۹۰	نقاطی که کمتر از ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته و مرکز استان و مرکز شهرستان نباشد	۴۹/۷
بنگلادش	۱۹۸۸	نقاطی که دارای شهرداری یا انجمن شهر یا انجمن کانتون نباشد	۸۵/۵
ترکیه	۱۹۸۵	مراکز جمعیتی که خارج از محدوده اداری شهرداریها باشد	۴۶/۹
افغانستان	۱۹۸۸	نقاط دارای جمعیت به جز ۶۳ نقطه شهری	۸۲/۲
آلمان (شرقی سابق)	۱۹۹۰	مراکز جمعیتی با تعداد کمتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت	۲۳/۶
ایسلند	-	مراکز جمعیتی با تعداد کمتر از ۲۰۰ نفر جمعیت	-
فرانسه	۱۹۸۲	نقاط دارای کمتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت و همچنین نقاطی که فاصله خانه‌های پراکنده بیش از ۲۰۰ متر باشد	۲۶/۶
مصر	۱۹۹۱	نقاط جمعیتی به جز مرکز کشور، مراکز استان و شهرستان	۵۶/۱
اتیوپی	۱۹۹۰	نقاط دارای کمتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت	۸۵/۹
زئیر	۱۹۸۵	مراکز جمعیتی دارای کمتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت که فعالیت اقتصادی اکثر افراد آن کشاورزی باشد	۶۰/۴
شیلی	۱۹۹۱	مراکز جمعیتی که فاقد خدمات عمومی و خدمات شهری هستند	۱۵/۱
ونزوئلا	۱۹۹۰	مراکز جمعیتی دارای کمتر از ۱۰۰۰ نفر جمعیت	۱۶/۰
پرو	۱۹۹۰	مراکز جمعیتی دارای کمتر از ۱۰۰ واحد مسکونی	۳۰/۱

جدول شماره ۲:

جمعیت کشور (میلیون نفر)، رشد سالانه و درصد روستانشینی

سال	جمعیت کشور (میلیون نفر)	رشد سالانه (درصد)	جمعیت روستایی (میلیون نفر)	رشد سالانه (درصد)	جمعیت شهری (میلیون نفر)	رشد سالانه (درصد)	درصد روستانشینی
۱۳۳۵	۱۸/۹	۱۱/۰	۵/۹	۶۸/۶			
۱۳۴۵	۲۵/۸	۱۶/۰	۹/۸	۶۰/۶	۵/۱		
۱۳۵۵	۳۳/۷	۱۷/۸	۱۵/۹	۵۱/۶	۴/۹		
۱۳۶۵	۴۹/۴	۱۱/۶	۲۶/۸	۲۵/۷	۵/۴		
۱۳۷۰	۵۵/۸	۱۲/۰	۳۱/۸	۲۱/۰	۳/۴		

مهاجرت و جبهتهای آن

از دلایل دیگر کاستی میزان رشد جمعیت روستایی در مقایسه با جمعیت شهری مهاجرت است. مهاجرت بین المللی در مقایسه با مهاجرت های داخلی در کشور ما از نظر تعداد و نسبت اهمیت چندانی ندارد. آنچه در به هم زدن توازن جمعیتی درون کشوری موثر است جابه جایی های بین شهر و روستا است. در این جابه جایی چهار جهت مشخص وجود دارد (الف) مهاجرت از شهر به شهر (ب) مهاجرت از روستا به شهر (ج) مهاجرت از شهر به روستا و (د) مهاجرت از روستا به روستا. در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ نتیجه جابه جایی ها در این چهار جهت و به عبارت دیگر خالص مهاجرت به نفع نقاط شهری بوده است. در سال ۱۳۶۵ بیش از ۵ میلیون نفر و در سال ۱۳۷۰ بیش از ۶ میلیون نفر از جمعیت ساکن در نقاط شهری در شهری دیگر و یا روستا متولد شده بودند. روستاییان وارد شده به شهرها در جمعیت ساکن در نقاط شهری در سال ۱۳۶۵ برابر ۳/۸ میلیون نفر و در سال ۱۳۷۰ برابر ۵/۱ میلیون نفر بوده است (جدولهای شماره ۳ و ۴ و نمودار ۱).

ساختار سنی - جنسی جمعیت روستایی کشور

از نظر ساختار نسبی جنسی به جز دو نتایج سرشماری سال ۱۳۵۵ که تعادلی بین دو جنس مرد و

زن روستایی کشور در سه گروه عمده سنی ۰ - ۱۴، ۱۵ - ۶۴ و ۶۵ ساله و بیشتر وجود دارد، در بقیه سرشماریها در نسبت جنسی سه گروه سنی مزبور نوسان وجود دارد.

جدول شماره ۳:

توزیع نسبی جمعیت شهرنشین برحسب محل تولد

محل تولد	۱۳۶۵	۱۳۷۰
متولد در شهر محل اقامت	۶۹/۶	۶۷/۵
متولدهای دیگر:	۲۹/۷	۲۲/۰
شهر	۱۳/۷	۱۴/۴
آبادی	۱۴/۳	۱۶/۰
خارج از کشور	۱/۷	۱/۶
اظهار نشده	۰/۷	۰/۵

جدول شماره ۴:

توزیع نسبی جمعیت روستائین برحسب محل تولد

محل تولد	۱۳۶۵	۱۳۷۰
متولد در آبادی محل اقامت	۸۷/۹	۸۴/۴
متولدهای دیگر:	۱۱/۵	۱۵/۳
شهر	۳/۴	۴/۳
آبادی	۶/۸	۹/۴
خارج از کشور	۱/۳	۱/۶
اظهار نشده	۰/۶	۰/۳

تحلیلهای مختلف کیفیت داده‌های سنی - جنسی گواه بر این است که داده‌های مربوط به نقاط روستایی در سرشماریهای مختلف از کیفیت پایین‌تری از نسبت به داده‌های مشابه در نقاط شهری برخوردار

است. عمده‌ترین دلایل این امر می‌تواند بی‌سوادی و کم‌سوادی روستانشینان و اطلاع نداشتن از سن دقیق خود باشد. در سال ۱۳۷۰ نسبت جنسی در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر به ۱۳۷ رسیده است. یعنی در مقابل هر ۱۰۰ زن ۶۵ ساله و بیشتر در روستاها ۱۳۷ مرد وجود داشته است. توجهی بر این احتمال که بین سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ در روستاها در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر مرگ و میر زنان نسبت به مردان شدت گرفته باشد و تعداد زنان در مقایسه با مردان رو به کاهش گذارده باشد نمی‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین تفاوت زیاد تعداد مردان روستایی نسبت به زنان می‌تواند ناشی از عوامل دیگری مثل بالاتر بودن میزان باسوادی مردان و ابراز دقیقتر سن و وجود عوامل فرهنگی مثل ناخشنود بودن برخی از روستاییان از ابراز مشخصات زنان سالخورده باشد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵:

نسبت جنسی جمعیت روستایی کشور در سه گروه بزرگ سنی

سال	نسبت جنسی گروه‌های بزرگ سنی			
	جمعیت روستایی	۰ - ۱۴ ساله	۱۵ - ۶۴ ساله	۶۵ ساله و بیشتر
۱۳۳۵	۱۰۲/۳	۱۰۳/۶	۱۰۰/۵	۱۰۰/۸
۱۳۴۵	۱۰۶/۵	۱۱۳/۲	۹۱/۵	۸۱/۱
۱۳۵۵	۱۰۳/۱	۱۰۹/۳	۹۶/۲	۱۲۷/۰
۱۳۶۵	۱۰۳/۸	۱۰۴/۸	۱۰۱/۹	۱۱۸/۷
۱۳۷۰	۱۰۵/۷	۱۰۵/۴	۱۰۴/۱	۱۳۷/۰

جوانی جمعیت از دیگر ویژگیهای آماری جمعیت روستایی است. در جمعیت شناسی چنانچه نسبت جمعیت در گروه سنی کمتر از ۱۵ ساله در حد بالایی باشد (حدود ۴۰ درصد و بیشتر) از نظر ساختار سنی چنین جمعیتی را جوان می‌نامند. وجود جمعیت جوان دلیل بر باروری در سطح بالا است که قبلاً نیز به آن اشاره شد. در این نوع ساختار سنی سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر نسبت به کل ناچیز است. از سال ۱۳۵۵ به بعد در جمعیت روستایی این نسبت کمتر از ۴ درصد کل جمعیت بوده و در دو مقطع

زمانی قبل از آن نیز به مقدار ناچیزی از ۴ درصد تجاوز کرده است. در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ نسبت جمعیت حول ۴۸ درصد در نوسان بوده است. به جز مختصر کاهشی که در سال ۱۳۷۰ در سهم گروه سنی کمتر از ۱۵ ساله مشاهده شده است، بقیه نسبتها نشانه هیچ نوع تحولی در ساختار سنی جمعیت روستایی کشور نیست. تنها ادامه کاهش نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ ساله در سال ۱۳۷۵ می‌تواند طلیعه‌ای بر تغییرات عمده در ساختار سنی جمعیت روستایی کشور در آینده باشد (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶:

توزیع نسبی جمعیت روستایی کشور در سه گروه بزرگ سنی

سال	جمع	۰ - ۱۴ ساله	۱۵ - ۶۴ ساله	۶۵ ساله و بیشتر
۱۳۳۵	۱۰۰/۰	۴۳/۱	۵۲/۷	۴/۲
۱۳۴۵	۱۰۰/۰	۴۷/۴	۴۸/۵	۴/۱
۱۳۵۵	۱۰۰/۰	۴۷/۷	۴۸/۶	۳/۷
۱۳۶۵	۱۰۰/۰	۴۸/۶	۴۸/۲	۳/۲
۱۳۷۰	۱۰۰/۰	۴۶/۹	۴۹/۴	۳/۷

سواد و پوشش آموزشی جمعیت روستایی کشور

یکی از مهمترین مسایلی که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی کشور به ویژه در مناطق روستایی با آن روبه‌رو هستند مساله سواد جمعیت است. بی‌سوادی و کم سوادی علاوه بر ناآگاهی، منشا بروز بسیاری از معضلات است. در اینجا مساله سواد از نظر آماری از چند جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از شاخصها نسبتهای مربوط به وجود فرد باسواد در خانوار است. این نسبتها مشخص می‌کند چند درصد از خانوارها دارای حداقل يك نفر یا چند نفر با سواد هستند. همچنین درصد خانوارهایی که بدون فرد باسواد هستند مشخص می‌شود. معیار دیگر برای سنجش تحول سواد میزان پوشش آموزشی است که مقصود از آن نسبت افراد در گروه سنی خاصی است که به مدرسه می‌روند. براین اساس، افرادی که در آن گروه سنی به مدرسه نروند زیر پوشش آموزش قرار ندارند. آخرین شاخص میزان باسوادی است که مراد از آن نسبت

افراد باسواد در جامعه یا نسبت باسوادان در گروه سنی مورد بررسی است. میزان بی‌سوادی تقریباً برابر با عکس میزان باسوادی است. در مقطع زمانی ۱۳۲۵ تا ۱۳۷۰ در معیارهای فوق ابتدا نکات منفی و سپس نکات مثبت بسیاری دیده می‌شود.

بررسی میزان بی‌سوادی جمعیت روستایی در گروه‌های سنی نشان می‌دهد که با بالا رفتن گروه سنی میزان بی‌سوادی افزایش می‌یابد. بی‌سوادی معلول پوشش کم آموزش جمعیت است. بررسی میزان بی‌سوادی در ژرفای زمان نشان می‌دهد که هر اندازه مقاطع زمانی قدیمتر مورد نظر قرار گیرد نتیجه این است که پوشش آموزشی کمتر بوده است. پوشش آموزشی بسیار ضعیف موجب شده است که در سال ۱۳۲۵ در بیش از ۸۲ درصد از خانوارهای روستایی کشور حتی یک نفر باسواد وجود نداشته باشد. این نسبت در طول زمان متحول شده و علی‌رغم کوشش‌های سازمانهای مختلف در سال ۱۳۷۰ هنوز ۱۵/۲ درصد خانوارهای روستایی کشور از نعمت داشتن حتی یک فرد باسواد در خانوار خود بی‌بهره بوده‌اند (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷:

نسبت خانوارهای روستایی کشور که دارای حداقل یک نفر باسوادند

سال	جمع	حداقل یک نفر باسواد	بدون باسواد
۱۳۵۵	۱۰۰/۰	۱۷/۳	۸۲/۷
۱۳۴۵	-	-	-
۱۳۵۵	۱۰۰/۰	۵۸/۲	۴۱/۸
۱۳۶۵	۱۰۰/۰	۷۴/۸	۲۵/۲
۱۳۷۰	۱۰۰/۰	۸۴/۸	۱۵/۲

نسبتهای بی‌سوادی امروز نتیجه برنامه‌های کم اثر آموزشی در دهه‌های گذشته است. اگر نیمی از جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر روستایی کشور در سال ۱۳۷۰ بی‌سواد بوده‌اند علت آن در پوشش کم آموزشی برای افراد لازم‌التعلیم در سطح روستاها از حدود سال ۱۳۶۱ و به ویژه سالهای قبل از آن بوده است. در روند تغییرات میزان سواد نکات مثبتی نیز دارد. رشد بطنی میزان باسوادی جمعیت ۱۵ ساله و

ویژمانه جمعیت و نیروی انسانی

بیشتر روستاها در فاصله بیست ساله ۱۳۲۵ و ۱۳۵۵ دلیلی بر ضعف برنامه‌ها در این زمینه و سپس رشد با شتاب آن در مقطع زمانی ۱۵ ساله ۱۳۵۵ و ۱۳۷۰ حاکی از اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های اخیر با سواد کردن افراد است (جدول شماره ۸).

بررسی آمارهای مربوط به سواد جمعیت روستایی حاکی از موفقیت بسیار اجرای برنامه‌ها در سالهای اخیر است.

جدول شماره ۸:

میزان باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر و در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر روستایی کشور

سال	مردوزن	مرد	زن	جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر
۱۳۲۵	۶/۰			۵/۰
۱۳۴۵	*۱۵/۱			۹/۵
۱۳۵۵	۲۰/۵	۴۳/۶	۱۷/۳	۱۶/۸
۱۳۶۵	۴۸/۰	۵۹/۹	۳۶/۳	۴۳/۶
۱۳۷۰	۶۳/۷	۷۲/۶	۵۴/۲	۵۰/۳

* جمعیت ۷ ساله و بیشتر

جدول شماره ۹:

پوشش آموزشی جمعیت روستایی کشور در سه گروه سنی

سال	۹ - ۶ ساله	۱۰ - ۱۴ ساله	۱۵ - ۱۹ ساله
۱۳۲۵		۱۲/۱	۸/۷
۱۳۴۵	*۲۰/۱	۲۸/۷	۷/۳
۱۳۵۵	۵۸/۳	۵۰/۳	۱۵/۴
۱۳۶۵	۷۲/۴	۶۱/۴	۲۰/۳
۱۳۷۰	۸۸/۴	۷۷/۲	۳۴/۸

* ۶ - ۹ ساله

نمودار شماره ۱:

جهت‌های مهاجرت و خالص ورودی به شهرها

۱۳۶۵

شهر ۳ ۶۹۲ ۱۳۴ شهر

۷۵۱۲۶۰۸

روستا ۳ ۸۲۰ ۴۷۴ شهر

خالص مهاجرت ۵ ۲۴۱ ۱۹۸

ورودی به شهرها

شهر ۷۵۹ ۸۶۷ روستا

۲ ۲۷۱ ۴۱۰

روستا ۱ ۵۱۱ ۵۴۳ روستا

۱۳۷۰

شهر ۴ ۵۵۸ ۳۳۱ شهر

۹ ۶۶۲ ۴۰۷

روستا ۵ ۱۰۴ ۰۷۴ شهر

خالص مهاجرت ۶ ۴۳۲ ۰۵۲

ورودی به شهرها

شهر ۱۰ ۲۲۷ ۴۶ روستا

۳ ۲۳۰ ۳۵۵

روستا ۲ ۲۰۷ ۶۰۹ روستا

اهمیت این موفقیت در این است که شتاب بالارفتن میزان بی‌سوادی در سالهای اخیر در حالتی واقعیت پیدا کرده که جمعیت در گروه سنی لازم‌التعلیم، رشد سریعی داشته است. پوشش کامل آموزشی نزدیک به صد درصد جمعیت لازم‌التعلیم میزان بی‌سوادی را طی چند دهه به سمت صفر متمایل خواهد ساخت. وجود بیش از ۱۱ درصد از جمعیت کودکان روستایی که در سال ۱۳۷۰ زیر پوشش آموزشی قرار نداشته‌اند هشدار و اعلام خطری برای ابقای میزانی از بی‌سوادی در آینده است (جدول شماره ۹).

اشتغال، بیکاری و توزیع جمعیت شاغل روستایی در سه بخش عمده فعالیت

در نقاط روستایی کشور جمعیت شاغل از ۴/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ رسیده است. جمعیت شاغل در مقطع زمانی مورد بررسی دارای روند افزایشی تدریجی بوده است. براین اساس تعداد مردان شاغل در طول زمان به تدریج اضافه شده اما شمار زنان روستایی شاغل که تا سال ۱۳۵۵ رو به افزایش بوده در سال ۱۳۶۵ کاهش شدیدی یافته است. این کاهش حتی در ۱۵ سال بعد یعنی در سال ۱۳۷۰ نیز جبران نشده و هنوز به میزان قبلی خود در سال ۱۳۵۵ نرسیده است. به عبارت دیگر سهم زنان روستایی شاغل در کمک به اقتصاد خانوار از سال ۱۳۵۵ کاهش شدید یافته است (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰:

جمعیت شاغل نقاط روستایی کشور برحسب جنس (۱۰۰۰۰) نفر

سال	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۳۵	۴۱۰۰	۲۷۱۳	۲۸۷
۱۳۴۵	۴۲۴۸	۲۶۴۵	۶۰۳
۱۳۵۵	۴۶۸۱۶	۲۹۲۴	۷۵۲
*۱۳۶۵	۵۰۱۳	۴۵۵۸	۴۵۵
۱۳۷۰	۵۴۰۴	۴۹۳۰	۴۷۴

* جمعیت شاغل ۶ ساله و بیشتر

در بررسیهای نیروی کار مجموع جمعیت شاغل و جمعیت بیکار ولی جویای کار را اصطلاحاً

جمعیت فعال می‌نامند. سهم شاغلان در جمعیت فعال را برابر میزان اشتغال و سهم بیکاران جویای کار در آن جمعیت را میزان بیکاری می‌شناسند. براین اساس میزان بیکاری جمعیت روستایی از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۷۰ بین نزدیک به ۱۲ درصد تا اندکی بیش از ۱۴ درصد در نوسان بوده است. این میزان در بین مردان شاغل روستایی در مقایسه با میزان بیکاری زنان دارای نوسانات به مراتب کمتری بوده است. کاهش تدریجی میزان بیکاری مردان در طول زمان دلالت بر وجود شانس بیشتر در بازار کار برای آنان دارد. گرچه تعداد مطلق جمعیت زنان فعال در مقایسه با مردان فعال بسیار کمتر است اما در بین زنان از سال ۱۳۵۵ به بعد میزان بیکاری در حد بالایی بوده است. به عبارت دیگر در بازار کار، زنان روستایی موقعیتهای کمتری برای اشتغال یافته‌اند و به تعبیری فشار زنان روستایی بر بازار کار بیشتر بوده است (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۱:

میزان اشتغال و بیکاری جمعیت روستایی برحسب جنس

سال	میزان اشتغال		میزان بیکاری
	مرد و زن	مرد	
۱۳۴۵	۸۸/۲	۱۱/۸	۰/۴
۱۳۵۵	۸۵/۸	۱۴/۱	۲۱/۶
۱۳۶۵	۸۷/۱	۱۲/۸	۲۰/۲
۱۳۷۰	۸۷/۹	۱۲/۱	۲۸/۳

براساس یکی از الگوهای نیروی کار که در کشورهای در حال رشد رایج است اکثریت افراد ساکن در روستاها به کار کشاورزی اشتغال دارند. سهم افراد شاغل در بخش کشاورزی در نقاط روستایی کشور گرچه در طی زمان از روندی کاهنده پیروی کرد، اما هنوز بیش از نیمی از جمعیت روستایی در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند. کاهش شاغلان بخش کشاورزی به نفع دو بخش صنعت و خدمات بوده است. رشد شاغلان روستایی در بخش خدمات از سال ۱۳۶۵ به بعد بارز است. بخش صنعت در روستاها تا

سال ۱۳۵۵ سهم زیادی از شاغلان را به خود جذب کرده اما این سهم در سال ۱۳۶۵ نزول عمده‌ای داشته است. بخش صنعت در روستاها بویژه سهم بسیار مهمی از زنان را پس از ۱۳۵۵ از دست داده است. کاهش تعداد مطلق شاغلان زن در سال ۱۳۵۵ که قبلاً به آن اشاره شد به مقدار زیادی در اثر از دست دادن شاغلان زن روستایی در بخش صنعت است (جدول شماره ۱۲).

جدول شماره ۱۲:

توزیع جمعیت شاغل روستایی کشور در سه بخش عمده فعالیت

بخشهای عمده فعالیت	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	
کشاورزی	مرد وزن	۷۵/۸	۶۹/۹	۵۸/۹	۵۱/۹	
	مرد	۸۰/۰	۷۶/۸	۶۴/۶	۵۳/۸	
	زن	۳۵/۰	۳۲/۱	۲۸/۹	۵۴/۲	۳۱/۶
صنعت	مرد وزن	۱۲/۶	۱۹/۱	۳۰/۹	۲۰/۸	۲۲/۵
	مرد	۸/۴	۱۲/۱	۲۴/۲	۱۹/۰	۲۰/۴
	زن	۵۲/۹	۶۱/۴	۶۶/۳	۳۴/۴	۴۴/۷
خدمات	مرد وزن	۱۱/۶	۱۱/۰	۱۰/۰	۲۱/۲	۲۵/۶
	مرد	۱۱/۶	۱۱/۷	۱۱/۲	۲۴/۱	۲۵/۸
	زن	۱۲/۱	۶/۵	۴/۸	۱۱/۴	۲۳/۷

نقش زنان نقاط روستایی در سرپرستی خانوارها نیز درخور بررسی است. بیش از ۲۳۰ هزار خانوار در نقاط روستایی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۷۰ دارای سرپرست زن بوده‌اند. با توجه به ۳/۴ میلیون خانوار روستایی در سال ۱۳۵۵ و ۴/۲ میلیون در سال ۱۳۷۰، نسبت خانوارهای روستایی دارای سرپرست زن در دو مقطع زمانی مزبور به ترتیب ۷ درصد و ۵/۶ درصد بوده است. با بالا رفتن سن نسبت زنان سرپرست خانوارهای روستایی افزایش می‌یابد. نزدیک به یک چهارم زنان ۶۵ ساله و بیشتر در خانوارهای یک نفره روستایی زندگی می‌کرده‌اند (سال ۱۳۵۵). داده‌های در دست از سرشماریهای مختلف در مورد سرپرستان خانوار هماهنگی ندارند. سرشماری سال ۱۳۶۵ کمترین داده‌ها را در مورد سرپرستان خانوارها

ارائه کرده است (جدول شماره ۱۳).

جدول شماره ۱۳:

توزیع نسبی زنان سرپرست خانوارهای روستایی در گروههای سنی

۱۳۷۰	۱۳۵۵	گروه سنی زنان سرپرست خانوار
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
۰/۹	۲/۹	کمتر از ۲ ساله
۵/۴	۱۰/۸	۲۰ - ۲۹
۱۰/۸	۱۱/۸	۲۹ - ۳۰
۱۲/۲	۱۹/۱	۳۹ - ۴۰
۲۰/۲	۲۱/۴	۵۹ - ۵۰
۱۶/۹	۱۰/۶	۶۴ - ۶۰
۲۳/۶	۲۳/۴	۶۵ ساله و بیشتر

بررسی جمعیت روستایی ایران با استفاده از داده‌های آماری ابعاد بسیار وسیعتری از چکیده آماری دارد. تنوع داده‌های آماری بویژه آمارهای حاصل از سرشماری امکان بررسی جمعیت روستایی کشور را از جنبه‌های گوناگون فراهم می‌سازد. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به طور خلاصه در نگرش آماری زودگذر بر جمعیت روستایی کشور نکات زیر مشخص می‌شود:

نوع تعریف در محدوده در برگیرنده جمعیت موثر است. علی‌رغم باروری در سطح بالا، رشد جمعیت روستایی تحت تاثیر تعاریف نسبت به جمعیت شهری ضعیف می‌نماید. مهاجرت‌های خروجی نیز از عوامل کاهش درصد جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری است. ساختار سنی جمعیت روستایی ساختار سنی فوق‌العاده جوانی است. میزان باسوادی برخلاف دهه‌های گذشته بویژه در سالهای اخیر رشد پرشتابی داشته است. برای محو بی‌سوادی باید پوشش آموزشی کودکان لازم‌التعلیم همه گیر شود. گرچه زنان شاغل و زنان بیکار جویای کار از نظر قدر مطلق در مقایسه با تعداد مردان رقم کوچکی را تشکیل می‌دهند اما در

محدوده همین رقم کوچک میزان بیکاری زنان روستایی بارز است. بخش صنعت کمی قبل از دهه اخیر تعداد زیادی از زنان روستایی شاغل را از دست داده است. لزوم ایجاد موقعیتهای شغلی برای زنان روستایی جویای کار ضروری است. نسبت زنانی که چه در اثر مهاجرت سایر اعضای خانوار و چه به علت فوت همسر در سالخورده‌گی به صورت انفرادی در روستاها زندگی می‌کنند درخور توجه است. حمایت از این زنان و تامین وضع اقتصادی آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. و بالاخره انواع برنامه‌ریزی‌های رفاهی در سطح روستاها موجب کاهش روند مهاجرت به شهرها خواهد شد.



منابع

- ۱) آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰، نتایج عمومی کل کشور. شهريور ۱۳۷۲ تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران.
- ۲) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهر ۱۳۶۵، کل کشور. اردیبهشت ۱۳۶۷، تهران - سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران.
- ۳) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۵۵. کل کشور، شماره ۱۸۶، دیماه ۱۳۵۹. تهران سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران.
- ۴) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۴۵، نتایج مربوط به جمعیت ساکن کل کشور، جلد صدوشصت و هشتم، اسفند ماه ۱۳۴۶، تهران سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران.
- ۵) گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور ایران در آبان ماه ۱۳۳۵، جلد دوم مشخصات جمعیت و خانوار کشور، تهران وزارت کشور، آمار عمومی.
- ۶) سالنامه و مونوگرافی سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۱، اداره آمار سازمان ملل متحد نیویورک (به زبان انگلیسی و فرانسه).